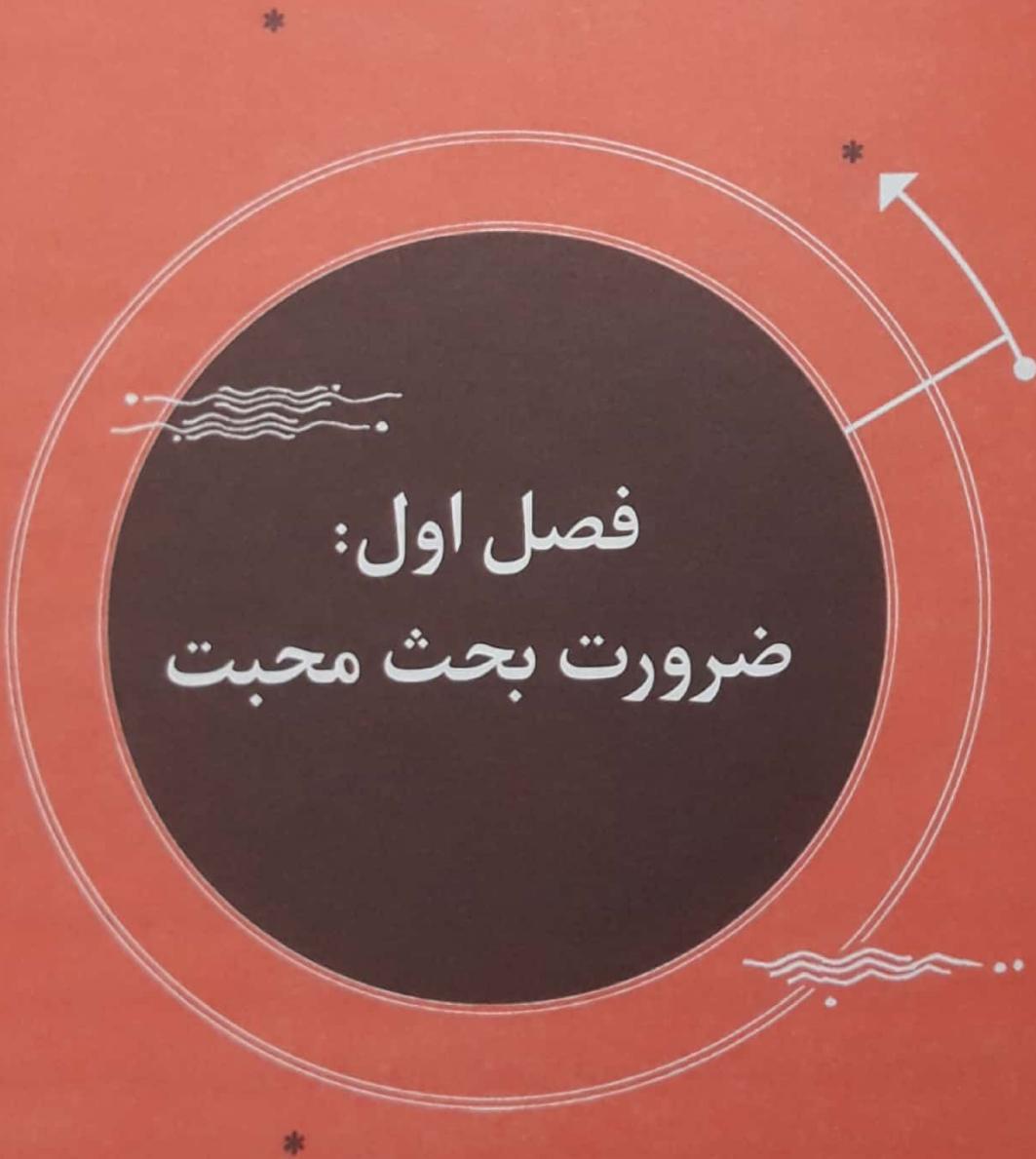


برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید.



@nazreketab

## دلیل اهمیت بحث محبت

محبیت ناسالم انسان  
را به زمین می‌زند  
مانند...

هر نعمتی که خداوند در اختیار انسان قرار  
می‌دهد، هم فرصت است و هم تهدید. به طور مثال،  
انسان با همان چشمی که می‌تواند آیات الهی و  
امام زمان را ببیند و بهشتی شود، می‌تواند  
 تصاویر شیطانی را دیده و جهنمه شود؛ پس نعمت  
 چشم در حالت اول، برای انسان فرصت است و در  
 حالت دوم، تهدید. قرآن در آیه ۸۲ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَئِنْ لَّمْ يُنَزَّلْ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ  
 بِشَفَاءٍ وَرَحْمَةٍ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يُزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ (آنچه برای مؤمنان مایه شفا و  
 رحمت است، در قرآن نازل کردیم و برای ظالمان چیزی جز افزایش خسaran و ضرر  
 نیست). بنابراین، قرآن هم برای گروهی فرصت است و برای گروهی تهدید. یکی  
 از نعمت‌های بزرگی که خدا به انسان داده، دل و سرمایه محبت است که عارفان

@nazreketab

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید.

فصل اول: ضرورت بحث محبت ۱۹



هر نعمتی که خداوند را اختیار انسان قرار می دهد هم فرصت است هم تهدید.

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
@nazreketab



آن را کیمیای محبت می‌نامند. حالا اگر محبت ناسالمی به دل انسان راه یابد، او را به زمین می‌زند؛ مانند محبت ابن‌ملجم مرادی به قطام.

ابن‌ملجم از دلدارگان حضرت علی علیه السلام بود و همیشه به ایشان اظهار محبت می‌کرد؛ ولی در وادی محبت به زمین خورد، آن هم به دلیل محبتی غلط. قطام به او گفت که کاین من خون علی است و به این ترتیب، ابن‌ملجم براثر محبتی برآمده از هوای نفس، حضرت علی علیه السلام را به شهادت رساند. نقطه مقابل او، آدم‌هایی بوده و هستند که یک‌شبه ره صدساله را طی کردند؛ مانند حُزَّکه در همان وادی محبت به سعادت رسید.

حکایت دیگری نیز هست از جوانی به نام قاسم لختی. او در محله آقای سید علی قاضی رحمه اللہ علیہ زندگی می‌کرد و با اینکه لات محله بود، خیلی به آقای قاضی علاقه داشت. همیشه سرراه آقای قاضی می‌ایستاد تا ایشان را بینند و چند قدمی با ایشان راه رود. آقای قاضی یک بار به او گفتند: «قاسم، تولات محله هستی، تو که با ما راه می‌آیی، دیگر کسی از تو حساب نمی‌برد.» در حقیقت می‌خواستند به او تلنگر بزنند و بگویند که این کارت را ادامه نده. قاسم گفت:  
برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
[@nazreketab](https://www.nazreketab.com)



«نه آقای قاضی، من دوستتون دارم.» ایشان هم گفتند: «پس یک شرط دارد: اگر خواستی با من رفاقت و رفت و آمد داشته باشی، باید نماز بخوانی.» قاسم لختی کمی طفره رفت و آخرش قبول کرد و شاید با خودش گفت که حالا ایشان از کجا می‌فهمند که من نماز خوانده‌ام یا نه.

آن روز، قاسم نماز نخواند و روز بعد، پیش آقای قاضی آمد و سلام کرد. ایشان بعد از جواب سلام گفتند: «مرد وقتی حرف می‌زند، عمل می‌کند.» قاسم گفت: «از کجا می‌دانید که من نماز نخواندم؟!» آقای قاضی فرمودند: «نشان به آن نشان که دیروز این دو کار را می‌کردی.» قاسم گفت: «شermenده، بیخشید، دیگر می‌خوانم.» آقای قاضی گفتند به شرطی می‌توانی رفاقت را با من را ادامه بدهی که نماز شب هم بخوانی.» قاسم با تعجب گفت: «من که بیدار نمی‌شوم!» آقای قاضی گفتند: «من بیدارت می‌کنم،» بعد هم نماز شب را به او یاد دادند. آن شب، آقای قاضی با تصرف<sup>۱</sup> قاسم را از خواب بیدار کردند. قاسم چشم‌هایش را باز کرد و شروع کرد با خودش حرف زدن و به خاطر قولش، ایستاد

۱. اصطلاحی است عرفانی.

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
@nazreketab

ونماز شب خواند. هر دور کعنتی که تمام می‌شد، بیشتر از نمازلذت می‌برد.  
تا اینکه پس از پایان نماز، شروع کرد به اشک ریختن و با خودش گفت: «قاسم،  
یک عمر خودت را از این لذت محروم کرده بودی.»

نماز شب آثار عجیبی در زندگی انسان می‌گذارد: نشاط روز، قدرت نه گفتن  
به گناهان، قدرت مقابله با هوا نفس، قدرت ارتباط با اهل بیت لیلہ لام، برکت  
مادی در زندگی، نورانیت چهره و شادابی روحی، همه به نماز شب بستگی دارد.  
خلاصه قاسم انتخابش را کرد و پیشیمان بود از اینکه تمام گذشته اش خلاصه می‌شد  
درایستادن سرکوچه و خیابان و گیردادن و ناسزاگفتن به دیگران و اینکه اطرافیان  
تأثییدش کنند. با خودش گفت: «همیشه دنبال تأیید دیگران بودی، غافل از اینکه  
چشم‌هایی که از بالا تورا می‌بینند باید تأیید کنند.» فردای آن روز، پس از سلام  
واحوال پرسی، آقای قاضی به او گفتند: «چه خبر؟»

قاسم گفت: «آنچه باید پیدا کنم، پیدا کردم.»  
قاسم با یک محبت جزو خوبان شد و صعود کرد و  
ابن ملجم با یک محبت سقوط کرد. من خودم کسی

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
@nazreketab

انسان‌های عاشق،  
همیشه بانشاط و  
سرزنده‌اند.

را دیدم که به دلیل دل‌بستگی به فردی در دانشگاه،  
دینش را تغییر داد. امروز، برخی جوانان قدر این  
سرمایه بزرگ، یعنی محبت را نمی‌دانند. آنان مانند  
بچه‌ای هستند که تکه‌ای طلامی دهد و خوراکی  
بزرگ می‌گیرد و از این معامله خوشحال است.

### بعد جامعه‌شناختی محبت

اجتماع، یکی از ارکان زندگی بشراست و در زمان کنونی، این انسان اجتماعی بیش از گذشته در گیر مفهوم دل‌آگی و محبت شده است. یکی از مصادق‌های بارز این حرف، گرم بودن بازار پیامک‌هاست. انواع و اقسام پیامک‌هایی که در این باره گفته می‌شود، چه همراه با عشق باشد و چه در ظاهر به‌گونه‌ای تنفر آمیز بیان شود، نشان‌دهنده این واقعیت است. فقط کافی است کسی و بلاگی درست کند و این‌گونه جمله‌ها و متن‌ها را در آن قرار دهد، باز دید از آن بسیار زیاد می‌شود و به دلیل تأیید همین جمله‌ها، امتیاز آن

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
[@nazreketab](http://nazreketab)



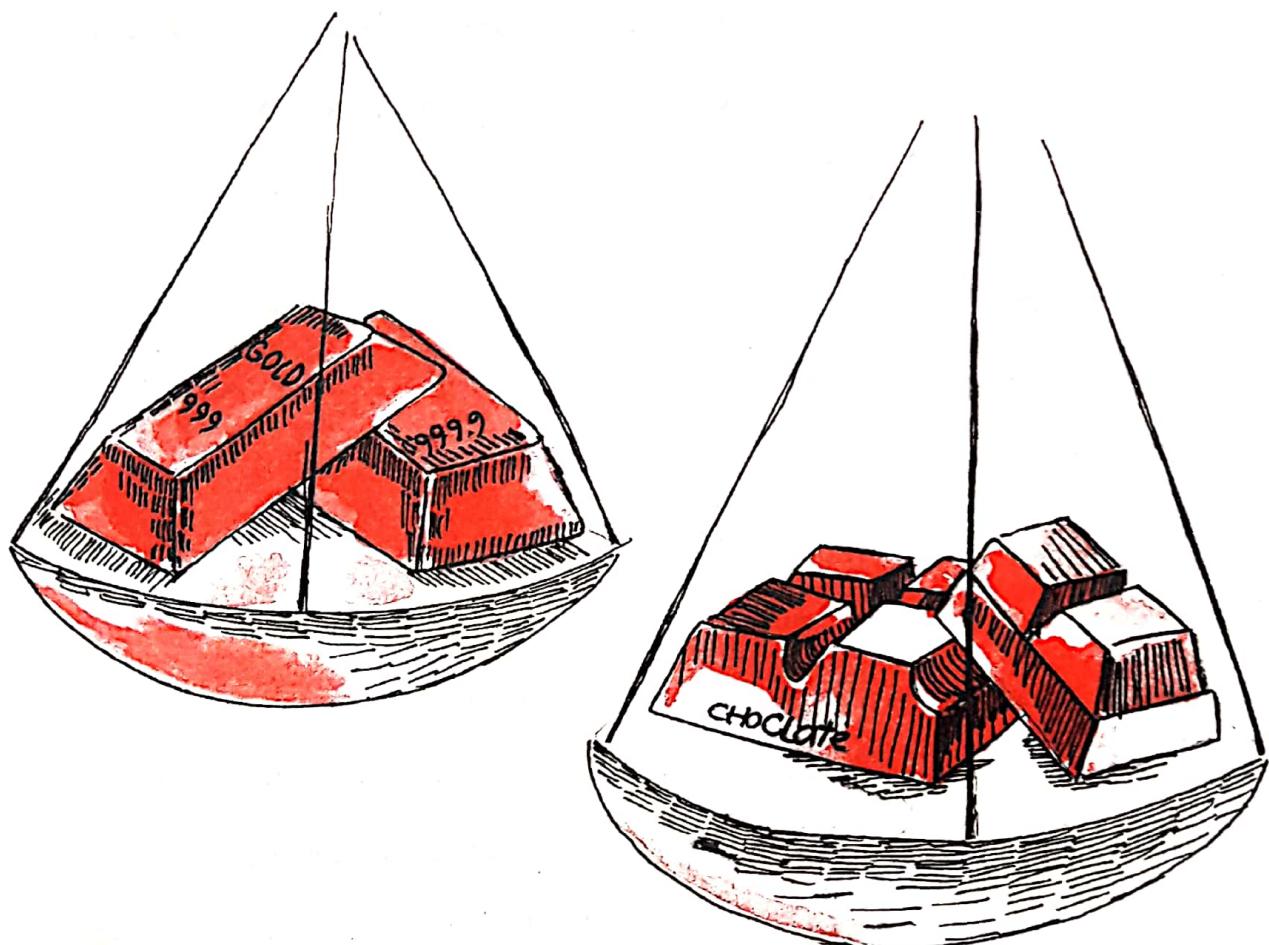
به سرعت بالا می‌رود. طرفداری از این جمله‌ها نشان از درد مشترک بشر است. اما همین واژه مشترک، تیغی دولبه یا سکه‌ای دور است که یک روی آن تشویش و اضطراب روی دیگرش آرامش است، یک رویش عزت و روی دیگرش ذلت است. پس برداشت اشتباه از این واژه باعث می‌شود که عده‌ای زمین بخورند. بنابراین، ازلحاظ جامعه‌شناختی، انسان دوست دارد که به کسی یا چیزی دل‌بسته باشد و معمولاً انسان‌هایی که هیچ علاقه و دل‌بستگی ندارند، بانشاط و سرزنش نیستند. موفق‌ترین انسان‌ها کسانی بوده‌اند که به زمینه‌ای خاص، چه درست و چه غلط، دل‌بستگی و علاقه زیادی داشته‌اند. عاشقان علم، به بزرگ‌ترین دانشمندان دنیا تبدیل شده‌اند، بازیگران بزرگ، علمای برجسته و... همگی عاشق راهی بوده‌اند که انتخاب کرده‌اند.

### نگاه دین به بحث محبت

زمانی که از امام معصوم پرسیده شد که آیا محبت جزء دین است یا نه؟ ایشان پاسخ دادند: «هلِ آیا دین چیزی جز محبت است؟!»

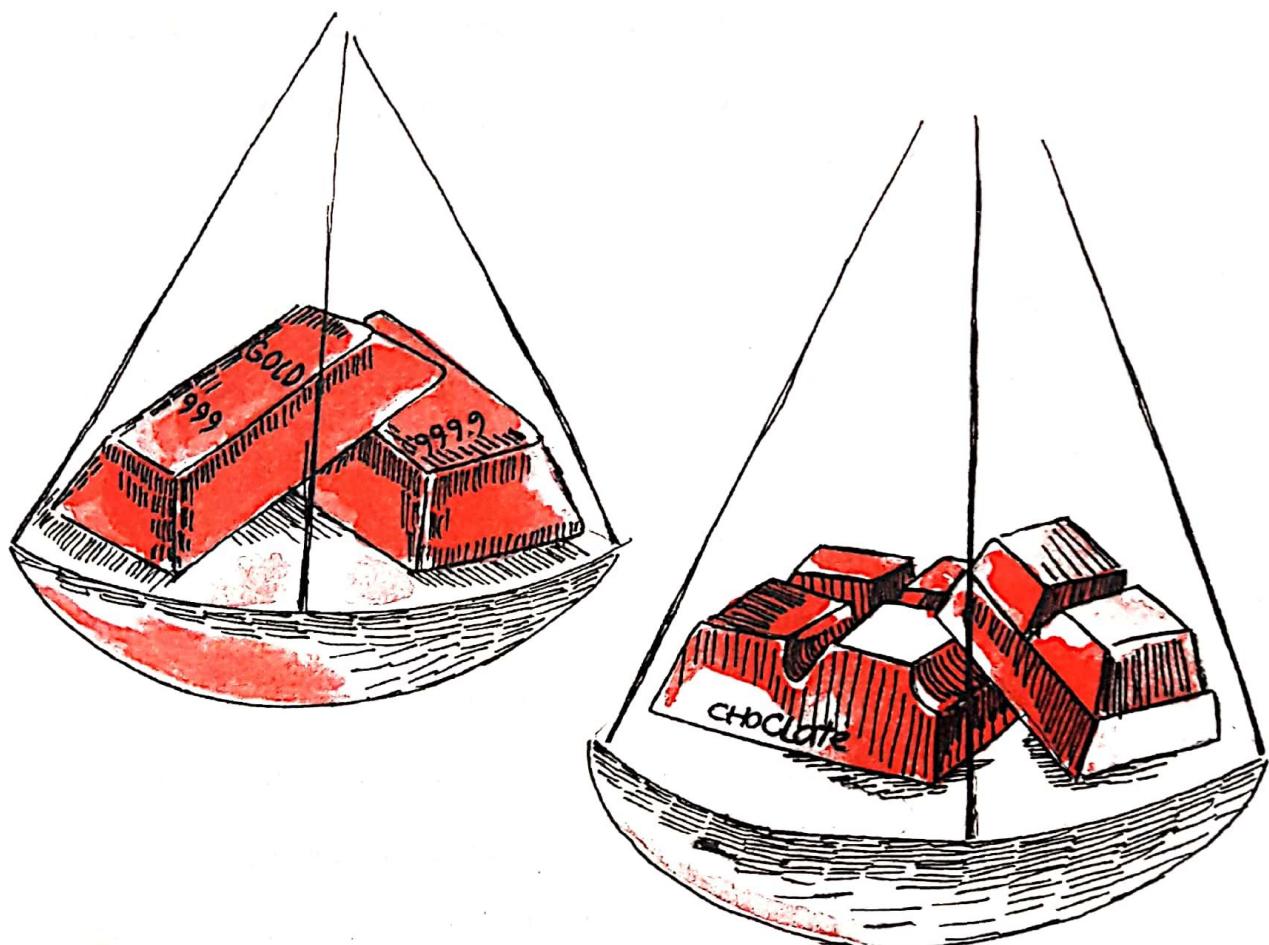
برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
@nazreketab

فصل اول: ضرورت بحث محبت ۲۵



آن مانند بچه‌ای هستند که تکه‌ای طلامی دهند و خوارکی بزرگ می‌گیرند و خوشحالند.

فصل اول: ضرورت بحث محبت ۲۵



آن مانند بچه‌ای هستند که تکه‌ای طلامی دهند و خوراکی بزرگ می‌گیرند و خوشحالند.

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
[@nazreketab](https://www.instagram.com/nazreketab)



الَّذِينَ إِلَّا الْحُبُّ»؛ اصلاً دین چیزی جز محبت است؟!  
یعنی نه اینکه محبت جزئی از دین، بلکه همه دین  
و ذات دین است.

حاصل بعضی از  
محبت‌ها، تشویش و  
اضطراب است



### نگاه روان‌شناسی به بحث محبت

در روان‌شناسی، انسان‌ها از نظر دلدادگی و محبت دو دسته‌اند: ۱. عده‌ای دلشان را به آنچه بایسته و شایسته است، گره می‌زنند و این افراد مشکلی پیدانمی‌کنند و به سرمنزل مقصود می‌رسند؛ ۲. عده‌ای به چیزی یا کسی دل‌بسته می‌شوند که فقط سبب تشویش آن‌ها می‌شود. بیشتر اضطراب‌های جوامع امروزی به همین دلیل است. دل شبیه لنگرکشتنی است که لازم است به لنگرگاه ثابت و محکمی متصل شود و در این صورت است که تلاطم دریا، کشتی را سرگشته نمی‌کند. افراد متلاطم نتوانسته‌اند دلشان را با اتصال به لنگرگاهی محکم، ثابت نگهدارند.

دل، ذاتاً  
وحدت‌گرایی و تکثر  
رادوست ندارد.

### محبت از دیدگاه انسان‌شناسی:

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «انسانی می‌تواند به مرتبه عالی انسانیت برسد که با دو بال عقل و دل پرواز کند.» با توجه به این فرمایش گهربار، انسان را می‌توان از دو بعد عقل و دل بررسی کرد. یکی از ویژگی‌های عقل این است که تکثرگرایی؛ یعنی هرچه بیشتر کتاب خوانده شود و هرچه داده‌ها و علوم گوناگون در اختیار عقل قرار بگیرد، شکوفات‌مری شود. نقطه مقابل این عقل تکثرگرا، دل است. دل ذاتاً به دنبال وحدت است. دلی که دمی به این ودمی به آن وابسته شود، دل هرجایی، مانند توری‌های بندزدۀ قدیمی است که وقتی تعداد این لحیم‌ها زیاد شود، دیگر استحکام پیش راندارد.

غایت و هدف نهایی  
محبت، سیر در  
ابدیت است.

### غایت‌شناسی محبت

آنچه تابه حال گفته شد، بیشتر، جنبه‌های مادی محبت را دربرداشت؛ ولی ما به عنوان انسان قرار

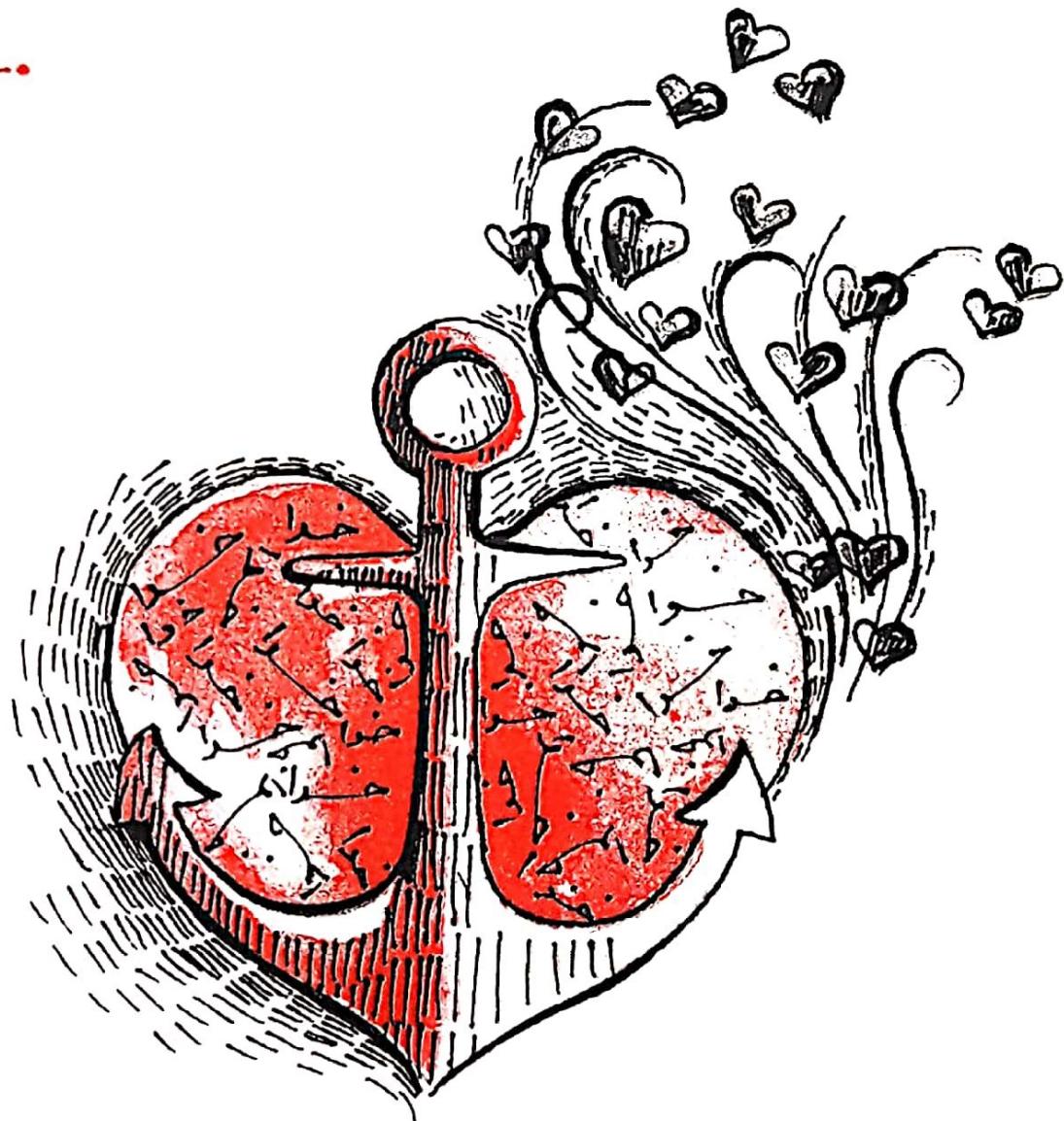


است که در ابدیت سیر کنیم؛ از این رو، برای سعادتمند شدن باید عقل و دل را با هم همراه کنیم؛ البته عقلِ عاقبت‌اندیشی که انتهای مسیر را می‌بیند. به همین دلیل است که موضوع محبت در کتاب‌های ادبی یا کتاب‌هایی که به موضوعات مربوط به انسان می‌پردازند، از مفاهیم مهم و اصلی است.  
متأسفانه در دنیای امروز، درباره مدیریت ارتباط، پول و سرمایه، وقت و... صحبت می‌شود؛ اما از مدیریت دل نه.

خداآوند دل را به انسان امانت داده است تا معلوم شود، هر انسانی با این امانت چه می‌کند: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنْ فِي حَرِمِ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ»؛ (قلب حرم خداست؛ پس در حرم خدا، غیر خدا را راه نده). ما صاحبِ دل نیستیم، مافقط صندوق‌دار دیلم. همان‌طور که صندوق‌دار بانک، صاحب پول‌های بانک نیست و حق ندارد هرگونه که دلش خواست، پول‌ها را خرج کند. مانیز حق نداریم محبت هر کس و هر چیزی را به دل راه دهیم.

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
[@nazreketab](https://www.instagram.com/nazreketab)

فصل دوم: آثار محبت ۲۹



دل شبیه لنگرکشی است که باید به لنگرگاه محکم و ثابتی متصل شود.

برای خرید اینترنتی این کتاب به نشانی [raiat.ir](http://raiat.ir) مراجعه نمایید  
[@nazreketab](https://www.instagram.com/nazreketab)